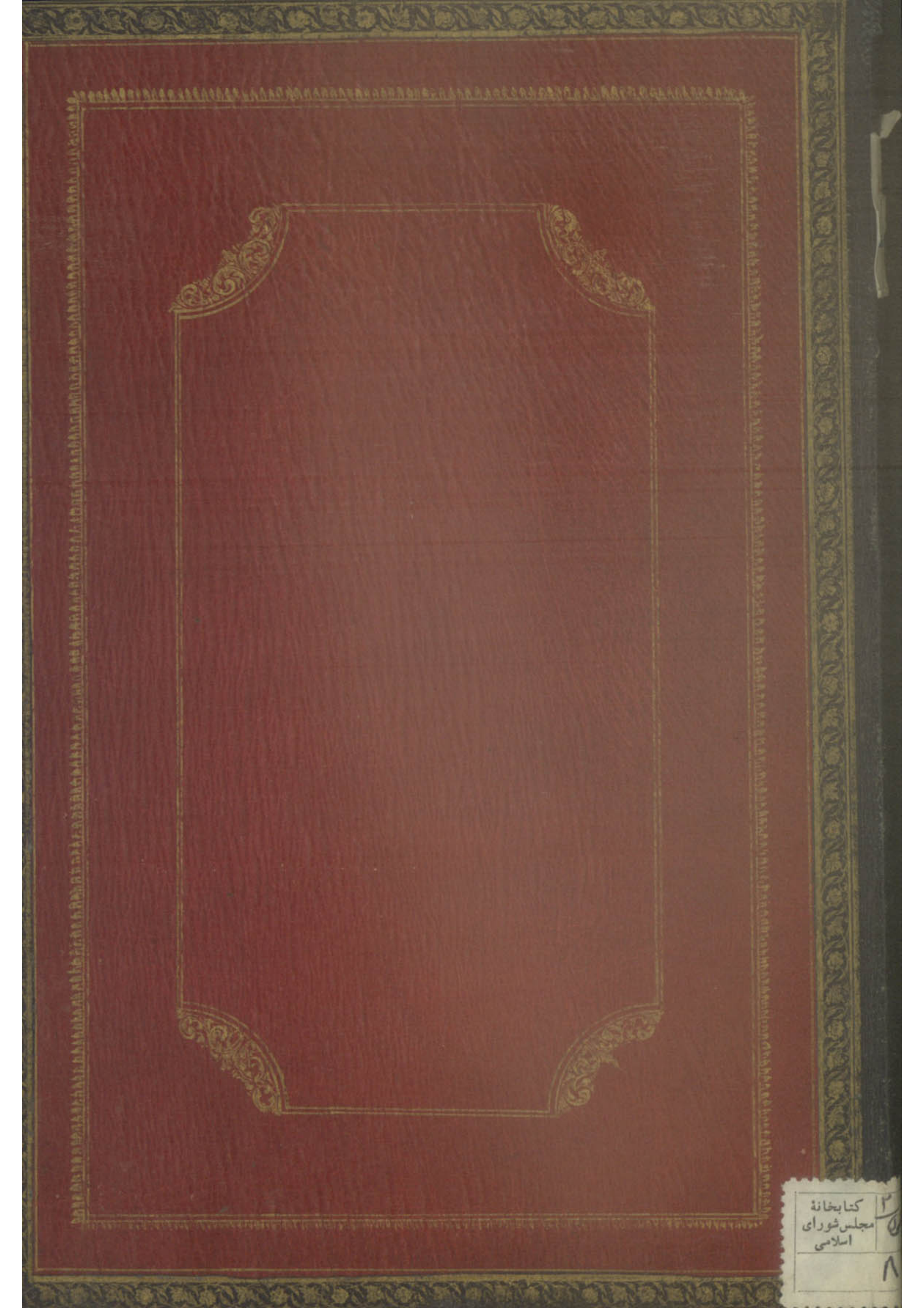

کتابخانهٔ
مجلس شورای
اسلامی

طالع مظفرالدین شاه
١٣٠٠

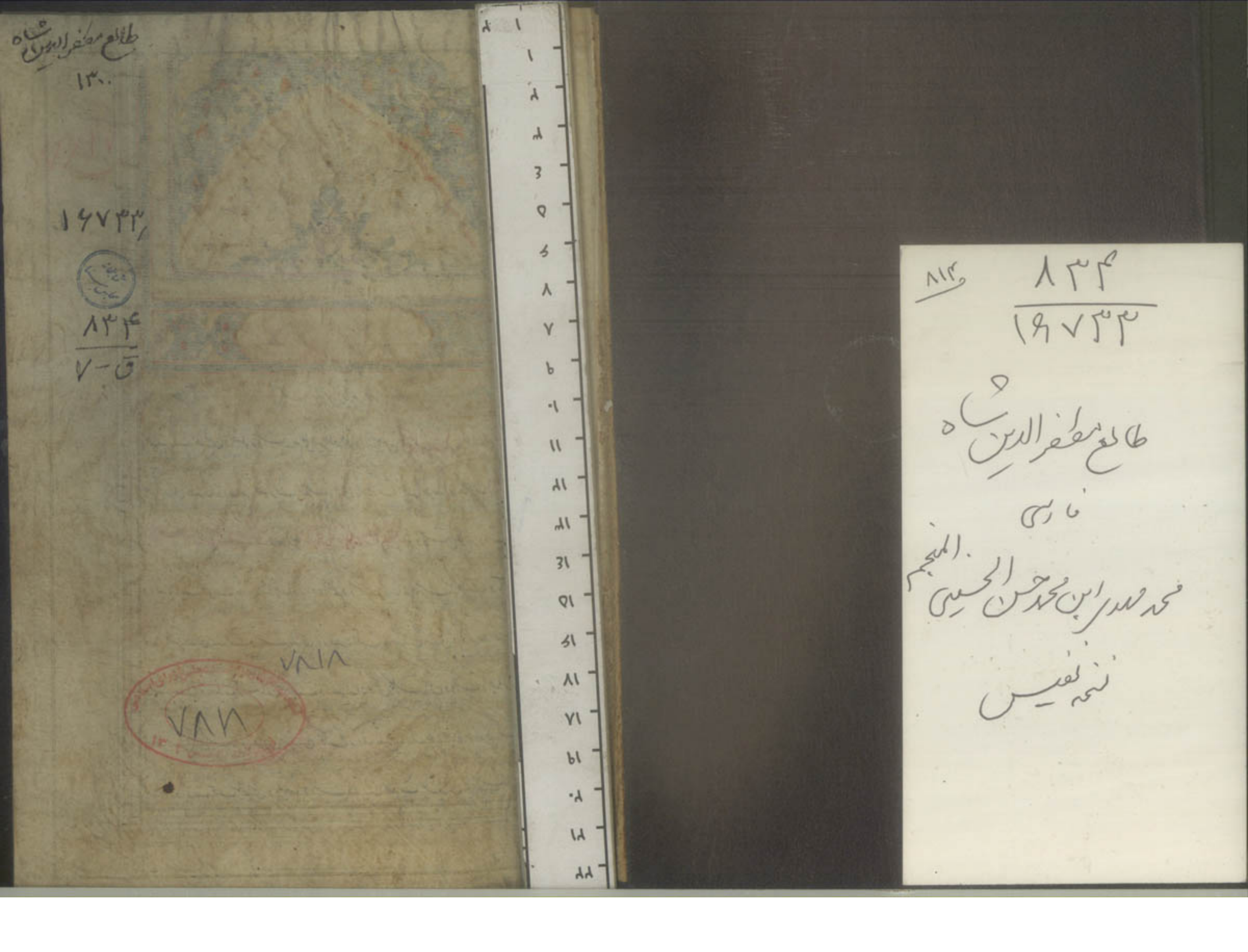
طالع مظفرالدین شاه

فارسی

محمد مهدی ابن محمد حسن الحسینی المنجم

نسخه نفیس

طالع مظفرالدین شاه
١٣٠٠
١٦٧٣٣
٨٣۴
ق-٧
٧٨١٨
٧٨١
٨١٢
٨٣۴
١٦٧٣٣
طالع مظفرالدین شاه
فارسی
محمد مهدی ابن محمد حسن الحسینی المنجم
نسخه نفیس


طالع مظفرالدین شاه
۱۳۰۰
۱۶۷۳۳
۸۳۴
ق - ۷
۷۸۱۸
۸۳۴
۱۶۷۳۳
طالع مظفرالدین شاه
فارسی
محمد مهدی ابن محمد حسن الحسینی المنجم
نسخه نفیس



بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین اما بعد چون از تقدیرات
نقش آرای کارخانه ارحام و صورت بند هیولای ماهیات اجسام خداوند بیچون الذی خلق
الانسان من حمأ مسنون و خلاق احد الذی لم یلد و لم یولد و دو شش گوهر ذات بیهمال
و اختر ماهیت آفتاب مثال شاهنشاه زاده اعظم و دخر سلاله عالم مهر سپهر سلطنت و تاجداری
و بدر منیر آسمان خلافت و شهریاری نور حدقه ملک و جهان گشائی و نور حدیقه شوکت
و کشور خدائی نونهال بوستان حشمت و اجلال و نوگل گلستان دولت و اقبال میمون
گوهر درج گیتی ستانی و بهین اختر برج ملکت آرائی تاج تارک عز و علا و جوهر بلارک مجد
و اعتلا وارث تخت سلیمان ولیعهد دولت دوران عدت علیه ایران نواب مستطاب

کامیاب مالک رقاب مظفرالدین میرزا ادام الله تعالی ایام اقباله و اجلاله ما دامت الافلاک
دوّار و النجوم السبعه سیّار بعد از طی مراتب استعدادات ثم خلقنا النطفة علقة
فخلقنا العلقة مضغة فخلقنا المضغة عظاما فکسونا العظام لحما بواسطه تأثیرات اجرام آباء سماوی و تأثرات اجسام عنصری
زیبنده و شایان طراز کسوت همایون و درخور و سزاوار آراستگی بخلعت میمون
ثم انشأناه خلقا آخر آمد که از مبدا فیض فیاض بی ضنت و جانه خانه کرم خلاق سبرا از شانه
قیمت نفس ناطقه که نتیجه مقدمات ابداع جواهر و اختراع اعراض است با پیکر نورانی آن تاج عقل و دل
تعلق پذیرفته تارک وجود مسعودش با فر آفتاب اثر جلوه زینت یافت و بالای هستی مبارکش
بتشریف شریف روح مجرد مشرف گردیده بمرتبه انشا و ابداع رسید فتبارک الله احسن الخالقین
و پس از آنکه زمان هشتاد و چهل منقضی و قوت طبیعت متقاضی وضع آن از مقتضی آمد در روز که
اغلاق ادبار نحوس آسمانی با غلال ارادات یزدانی بسته و ابواب اقبال سعود فلکی با یدی
تصرفات نفوس ملکی گشاده فی ساعة سعیدة بیمن سعود زهرة و کواکب الاقبال طالع روزی چون صبح نوروز
فرح فزا و ساعتی چون جام وصل یار دل افروز مدا در جمعه چهاردهم شهر جمادی الاخری سنه
١٢٦٩

ناقصهٔ هجریه هنگام طلوع آفتاب بافق دارالخلافه ناصره صانها الله تعالی عن مکائد الزمان و طوارق الحدثان

بسیط جهان را بقدوم میمنت لزوم مبارک مشرف نموده فضای گیتی را بنور وجود سعادت نمود

همایون منور فرموده از مطلع دولت و اقبال طالع و لامع گردید بناء علی هذا بنده خاکسار ذره

بی مقدار کمترین خانه‌زاد دربار گردون مدار محمد مهدی ابن محمد حسین الحسینی المنجم باستخراج درجه طالع

همایون و سایر اعمال متعلقه بآن بقدر الوسع و الطاقه بر منهج حکماء متقدمین و از افاضل متأخرین

روح الله تعالی ارواحهم شروع در مقصود نمود و بالله الاعانة و التأیید و هذا فی استخراج

التواریخ **القول فی استخراج تاریخ عربی الهجری** خواستیم روز جمعه چهاردهم هلالی شهر جمادی الآخری

سنه ۱۲۰۱ ناقصه هجریه را که روز ولادتست بطریق حساب بدانیم که چندم ماه وسطی حسابی میبود از

سالهای ناقصه دویست و ده دویست و ده طرح کردیم باقی ماند ۱ پس بترتیب بهز

یوح کادوط در سنین تا آن نظر کردیم سه سال کبیسه بود افزودیم شد ۴۰

هفت هفت از آن طرح نمودیم باقی ماند ۵ معلوم شد که مدخل محرم آنسال روز پنجشنبه بوده

و بجدول نیز عمل نمودیم باین طریق که از فوق رقم ۱ و از یمین جدول رقم ط را گرفته در ملتقی

و چهار سال بر کبیسه عدد سالهای کبیسه را در پنج ضرب کردیم در چهار ضرب کردیم و پنج عدد بر مجموع حاصل ضرب که بیست ۲۵

هر دو نظر کردیم ۵ بود معلوم شد که عمل مطابق با جدول است و بجهة دانستن مدخل شهر

جمادی الاخری عدد ماههای تامه وتر را که ۳ میباشد تضعیف نمودیم و عدد ماههای

تامه شفع را که دو میباشد بر آن افزودیم و حاصل را با عدد مدخل سال جمع نمودیم ۱۳

شد هفت از آن طرح نمودیم باقی ماند ۶ معلوم شد که مدخل شهر جمادی الاخری سال مذکور

جمعه بوده است و بجدول نیز عمل نمودیم باین طریق که از فوق جدول رقم مدخل سال

و از یمین جدول اسم ماه را گرفته در ملتقی نظر کردیم ۶ بود معلوم شد که عمل صحیح و مطابق

با جدول و روز جمعه ولادت مبارک پانزدهم حسابی شهر مذکور میباشد **استخراج تاریخ**

محمدشاهی از عربی خواستیم که در روز پانزدهم حسابی شهر جمادی الاخری سنه ۱۲۰۱ ناقصه

هجریه تاریخ محمدشاهی استخراج کنیم چون وقت مطلوب داخل ماههای ۹ گانه ربیع الثانی

الی سلخ ذیحجه الحرام میباشد ۱۱۳۰ از عربی نقصان نمودیم باقیماند ۱۳۹ این سالهای

ناقصه محمدشاهیست پس برای مدخل سال یکصد و سی و نه ناقصه در جدول مدخل سالهای محمد

شاهی در آمدیم باینطریق که رقم قل را از فوق جدول و رقم ط را از یمین جدول

طلب و اشنه در ملتقی نظر کردیم ح بود معلوم شد که مدخل سال محمد شاهی یعنی غره سنه ثانی
روز سه شنبه بوده است پس خواستیم که مدخل ماه جمادی الاخری آن سال را بطریق حساب بدانیم
در جدول شهور تاریخ محمد شاهی در آمدیم و رقم مدخل سال را که ح بود از فوق جدول و اسم
ماه مطلوب را از یمین جدول گرفته در ملتقی هر دو نظر کردیم د بود و بالسواء معلوم شد که مدخل شهر
جمادی الاخری روز جمعه بوده است و روز جمعه ولادت پانزدهم شهر جمادی الاخری سنه [illegible]
ناقصه محمد شاهی بوده است **استخراج تاریخ فارسی از عربی** خواستیم که روز پانزدهم حسابی شهر
جمادی الآخر سنه غ سط ناقصه هجریه تاریخ فارسی استخراج نمائیم بازاء غ سه از جدول سالهای
مجموعه تاریخ عربی ایام مرفوعه برگرفتیم بود . [illegible] و بازاء [illegible] نیز از جدول سالهای مبسوطه
عربیه ایام مرفوعه برگرفتیم بود [illegible] پس بازاء پنجاه نامه از جدول شهور عربیه ایام مرفوعه
تاریخ عربیت پس مابین التاریخین را که هست [illegible] از مجموع نقصان نمودیم . [illegible] ایام
از زمان جلوس یزدجرد شهریار تا روز ولادت مبارک پس برای استعلام سالها و ماهها
تاریخ فارسی معکوس نمودیم بیرون آمد از سالهای مجموعه غا و از سالهای مبسوطه کا

بیرون آوردیم بود . [illegible]
پس ایام ناقصه شهر ناقص
که هست [illegible] با مجموع ایام
مرفوعه سنین عربیه
جمع کردیم شد . [illegible]
این ایام مرفوعه ح

ایام مرفوعه تاریخ یزدجرد را از جدول سنین مجموعه و مبسوطه و شهور تاریخ فارسی

و از شهور تا هفت ماه که مهر ماه بوده باشد و از ایام ناقصه شهر ناقص ا پس معلوم شد که ولادت
مبارک در روز اول با ماه قدیم سنه غ کد ناقصه یزدجردیه واقع شده است **استخراج رومی از عربی**
خواستیم که روز پانزدهم حسابی شهر جمادی الاخری سنه [illegible] ناقصه هجریه تاریخ رومی از عربی استخراج
نمائیم ایام مرفوعه تاریخ عربی چنانکه قبل استخراج نمودیم . د نام ایام مرفوعه بین التاریخین رومی
و عربی [illegible] مجموع ایام مرفوعه سنین عربیه و بین التاریخین [illegible] این را در جدول ایام
مرفوعه سنین مجموعه و مبسوطه و شهور تاریخ رومی معکوس نمودیم خارج شد غفس و باقی ماند از ایام
مرفوعه [illegible] این را مرة اخری در جدول سنین مجموعه تاریخ رومی معکوس کردیم بیرون
آمد شه و باقیماند از ایام مرفوعه این را در جدول سنین مبسوطه تاریخ رومی معکوس نمودیم
بیرون آمد از سنین ح و باقی ماند . [illegible] باقی را در جدول شهور تاریخ رومی معکوس نمودیم
بیرون آمد شباط [illegible] نامه و از ایام ناقصه شهر ناقص که آذر ماه بوده باشد [illegible] پس معلوم
شد که ولادت مبارک همایون با روز سیزدهم آذار ماه رومی سنه بغنسد ناقصه اسکندریه
مطابق بوده است **استخراج تاریخ جلالی از عربی** ایام مرفوعه تاریخ عربی چنانکه قبل استخراج شد

. نه نا م ایام مرفوعه بین التاریخین مه ط نه این را از ایام مرفوعه تاریخ عربی نقصان

نمودیم باقی ماند از ابتداء تاریخ ملکی تا روز مطلوب الا الا ح این را در جدول ایام
ایام مرفوعه

مرفوعه تاریخ ملکی و دقایق ایام معکوس کردیم بیرون آمد از سنین تامه ذ و باقی ماند از

ایام مرفوعه د الح و از دقایق ایام ح لد د م باقی را در همان جدول ثانیا معکوس

نمودیم بیرون آمد از سنین تامه ع و باقی ماند از ایام مرفوعه کا ه و از دقایق ایام

نه ح ط ه باقی ثانوی را باز در همان جدول معکوس کردیم بیرون آمد از سال تامه

تامه د و باقیماند از ایام ناقصه ه و از دقایق ایام ن م ه لا پس معلوم گردید که روز

ولادت مبارک مطابق با روز پنجم فرور دینماه جلالی سنه ح عه ناقصه ملکشاهیه شد

فی استخراج درجه الطالع

چون ولادت لازم السعادت همایون بهنگام

طلوع آفتاب اتفاق افتاده خواستیم تقویم آفتاب در هنگام طلوع روز جمعه چهاردهم یا

و پانزدهم حسابی شهر جمادی الاخری من شهور سنه ۱۲۰۹ ناقصه محمدشاهی استخراج نماییم

در روز مذکور از قراریکه در جدول قلمی شده بیرون آوردیم بود وسط لا. ح ح

تعدیل الایام ۰ ر ب اجزاء تعدیل الایام ا ا ا ه وسط معدل بتعدیل الایام بود

۰.ع و او اوج آفتاب ح ح ع ل مرکز معدل

	وسط	اوج
تك	ه ح لط لا	۰ ا ط که
ط	در . لو	ح ح ع ط
جمع	ط یو ه ن	ح ح ع کا
جمادی الاخری ناقصه	اب ط ا	۰ ۰ ۰ ب
جمع	اا ا ب	ح ح ع له
[illegible]	۰ ع ر ب	۰ ۰ ۰ ۰
جمع	۰ . لط ه	ح ح ع لو
بین الظهر الی الظهر	۰ ۰ د ب	۰ ۰ ۰ ۰
رسال	۰ . ع ع	ح ح لح لو

بتعدیل الایام ب که ا ا تعدیل الشمس انه ب

تقویم الشمس در نصف النهار روز جمعه ولادت

۰ د ا تقویم شمس نصف النهار مقدم

ا ح لط بهت آفتاب نط نصف النهار

روز جمعه که بعینه بعد مستقبل میباشد د ه

ساعات بعد را در بهت آفتاب ضرب کردیم حاصل شد ه نط حاصل ضرب را بر بیست و چهار

قسمت نمودیم خارج شد لو دقیقه این را از تقویم آفتاب به نصف النهار مؤخر نقصان کردیم باقیماند

تقویم آفتاب بوقت طلوع روز جمعه ا د ۸ و همین موضع آفتاب طالع ولادت مبارکست

مطالع این بعرض بلد ولادت گرفتیم بود ۰ ۴ ب این مطالع را در جدول مطالع البروج

بفلک مستقیم محسوب من اول الجدی معکوس کردیم بیرون آمد عاشر ل. لد استخراج نموداد

تقویم

بطلمیوس اصل این نمودار مبنی بر کلمه سی و ششم است از کتاب ثمره الملک بطلمیوس که میفرماید

الْمُسْتَوْلِي عَلَى مَكَانِ الْاِجْتِمَاعِ فِي مِثْلِ دَرَجَةٍ وَتَدٍ مِنْ أَوْتَادِ مَوْلِدِ كُلِّ

كَائِنٍ فِي ذٰلِكَ الْاِجْتِمَاعِ مِنَ الْاَشْخَاصِ الْاِنْسَانِيَّةِ وَكَذٰلِكَ الْاِسْتِقْبَالُ

بنا علیه چون طالع مبارک اجتماعی بود جزو اجتماع مقدم بدست آوردیم بود ا ط مستولی بر

جزو اجتماع متقدم مشتری و شرکاء مستولی زهره و مریخ چون تقویم مشتری از مراکز اوتاد طالع

ولادت بسیار دور افتاده بود لهذا زهره را که خداوند شرف و مثلثه جزو اجتماع است مستولی

اعتبار نموده تقویم آن بوقت اجتماع بیرون آوردیم بایطریق تقویم زهره بنصف النهار مقدم

ا . ا تقویم زهره بنصف النهار موخر ا ح ه بهت زهره ا ه ساعات نصف

النهار ه مو بعد ماضی ا لو بهت زهره را در بعد ماضی ضرب کردیم و حاصل ضرب را

که بهست لعا بر که قسمت نمودیم بیرون آمد لا این بر تقویم زهره بنصف النهار مقدم

افزودیم تقویمش بوقت اجتماع حاصل شد ا . لا نظر کردیم درجات و دقایق مرکز عاشر بعینه

مطابق درجات و دقایق تقویم زهره بود لهذا معلوم گردید که درجه طالع نمودار سیت

المکث

و مطلقا با نمودار بطلمیوس اختلاف ندارد و محل غلط و سهو نباشد استخراج نمودار

هرمس الهرامسه و هو نمودار مسقط النطفه هرمس حکیم در کتاب اساس الحکمه که منسوب باو میباشد فرموده است

اِنَّ مَوْضِعَ الْقَمَرِ عِنْدَ الْوِلَادَةِ الطَّالِعُ الْمَسْقَطُ وَعِنْدَ الْمَسْقَطِ الطَّالِعُ الْوِلَادَةُ

طالع ولادت مبارک بنابر آنچه سابق استخراج کردیم بود ا د ه تقویم قمر در زمان

ولادت استخراج نمودیم بدین طریق تقویم قمر بنصف النهار مقدم ه کا ط تقویم قمر بنصف النهار

موخر د د ا بهت قمر یا ساعات نصف النهار که بعینه خود بعد مستقبل میباشد ده

ساعات بعد را در بهت قمر ضرب کردیم حاصل شد الهط حاصل ضرب را بر که قسمت کردیم

خارج شد . ه این را از تقویم قمر بنصف النهار موخر نقصان نمودیم باقیماند تقویم قمر وقت

ولادت د . ر چون قمر در قرب مرکز سابع واقع است معلوم گردید که قمر در مدت مکث

مولود مبارک ادوار تامه قطع کرده است با زیادات نصف دور تقریبا که زمان آن میباشد

ح ه ا ل این ایام و ساعات و دقایق را بر مدت مکث اوسط مولود افزودیم که

که بهست ح ه ح ا افزودیم حاصل شد مدت مکث در رحم د و کا . ر این مدت را از زمان

ولادت بقهقرا برگشتیم اینجا میدیا با واسطه روز جمعه بیست و دوم شهر شعبان المعظم سنه ۱ تا قصد بجه
مطابق با روز بیست و سیم خرداد ماه جلالی پس چون موضع قمر ولادت بعد از نصف النهار
روز جمعه طلوع میکرد تقویم آفتاب بنصف النهار همان روز استخراج کردیم بود یه ا
مطالع تقویم آفتاب بفلک مستقیم محسوب من اول الجدی قسط م یمه مطالع تقویم قمر ولادت
بوقت ولادت (تعدیل) مطالع ناقصه تقویم آفتاب را از مطالع بلدی قمر ولادت نقصان کردیم باقی
ماند ایرا از نصف النهار د له عه این را بر اجزاء یکساعت حقیقیه که بیست یه . لو منحط قسمت کردیم
کردیم دقایق بعد از نصف النهار روز جمعه الی وقت سقوط نطفه مبارکه خارج شد له دقیقه و یه
ثانیه پس در هنوقت تقویم قمر مسقط استخراج نمودیم باین نحو تقویم قمر بنصف النهار متقدم ا له یه
تقویم قمر بنصف النهار متاخر ا کا یه بهت قمر یا نا بعد ماضی له یه ثانیه بهت را در بعد ضرب
کردیم و حاصل را که بیست ه نج بر یه قسمت کردیم خارج شد یه دقیقه این را بر تقویم
قمر بنصف النهار متقدم بر سقوط افزودیم تقویم قمر بوقت سقوط نطفه مبارکه حاصل آمد ا لط لط
این طالع صحیح همودار هرمس الهرامسه است استخراج نمودار حکیم ما شاء الله

حکیم

حکیم مزبور جمیع ما بین نمودارین مذکورین را معتقد است و در کتاب مدخل خود آورده که
الجزو المعدل یکون دائما بین الجزو الغیر المعدلین و همچنین این زمان طالع صحیح باین نمودار
صحیح میدانند و مدار سایر اعمال حسابی و احکام نجومی بران مینهند بنا علی هذا ما نیز باین نمودار
عمل نموده طالع صحیح همودار بطلمیوس را که بود ا ه م از طالع صحیح همودار هرمس که بیست ا لط لط
نقصان نمودیم تفاوت بینهما باقی ماند ه و نصف تفاوت . ب ا را بر طالع
صحیح همودار بطلمیوس افزودیم و از طالع صحیح همودار هرمس نقصان کردیم طالع صحیح باین نمودار
معلوم گردید ا د ا پس مطالعش بعرض بلد ولادت بیرون آوردیم د کط لط این را در
جدول مطالع البروج بفلک مستقیم محسوب من اول الجدی منقوص نمودیم بیرون آمد عاشر
ط . ل استخراج تسویة البیوت بطریق المشهور مطالع طالع بعرض بلد د کط لط مطالع
طالع بفلک مستقیم محسوب من اول الجدی صه او کط مطالع بلدی طالع را از مطالع
استوائی آن نقصان نمودیم باقی ماند نصف قوس النهار درجه طالع صه ا م این را بر سه
قسمت کردیم خارج شد سدس قوس النهار ا م لو سدس قوس النهار را بر مطالع طالع

افزودیم شد مطالع حادیعشر له ه کہ باز همان سدس قوس النهار را بر مطالع حادیعشر افزودیم شد
مطالع ثانیعشر سه ج نو پس شصت درجه بر مطالع بیت ثانی تکه ج نو باز صد و بیست درجه بر مطالع
حادی عشر افزودیم شد مطالع بیت ثالث قنه ه کہ پس این مطالعات را در جدول مطالع
البروج بفلک مستقیم محسوب من اول الجدی منقوص نمودیم بیرون آمد مرکز حادیعشر ح ٠ ٤
مرکز ثانیعشر یا ح فه مرکز بیت ثانی اح ل مرکز بیت ثالث ٠ د نه و مراکز خانهای دیگر نظایر
این خانها میباشد **استخراج ساعات زمان ولادت مبارک بحسب طالع مصحح نمود انشاء الله مصری**
مطالع طالع بعرض بلد ولادت ه کہ لط تقویم آفتاب بوقت طلوع روز ولادت ط ٠ ٩
مطالع آن بعرض بلد ولادت [illegible] این را از مطالع طالع بعرض بلد نقصان کردیم باقیماند
دایر از مطلع آفتاب تا زمان ولادت ا لط ل اجزاء یکساعت حقیقه شبانروز ولادت
نو ٠ نو دایر را بر اجزاء یک ساعت حقیقه منحط قسمت نمودیم خارج شد ساعات ولادت
گذشته از مطلع آفتاب روز جمعه چهاردهم هلالی شهر جمادی الاخری من شهور سنه ١٢٦٩ با قصبه هجریه
د ل که شش دقیقه و سی و هفت ثانیه بوده باشد وفقنا علیه الغیرین والکوکب المنیره والعقد تمن

و ما دون ذلک **استخراج تقویم شمس** تقویم شمس نصف النهار مقدم ا ح لط تقویم
شمس نصف النهار موخر ا ٠ یا بهت آفتاب ا لط بعد مستقبل ٥ نا بهت آفتاب را
در ساعات بعد ضرب کردیم و حاصل را که هست د نا قسمت نمودیم خارج شد ح له
ثانیه این را از تقویم شمس نصف النهار موخر نقصان نمودیم تقویم شمس بوقت ولادت باقیماند
ا د کہ **استخراج تقویم قمر** تقویم قمر نصف النهار مقدم ه کا لط تقویم قمر نصف ا
النهار موخر د ا بهت قمر یه ل بعد مستقبل ٥ نا بهت را در بعد ضرب کردیم حاصل شد
ا ح ل حاصل ضرب را بر کہ قسمت نمودیم خارج شد ح له دقیقه این را از تقویم قمر نصف
النهار موخر نقصان نمودیم باقی ماند تقویم قمر بوقت ولادت مبارک د ٠ کا ا
استخراج تقویم زحل تقویم زحل نصف النهار مقدم ا یه ن و نصف النهار موخر ا نو ه
بهت زحل د دقیقه بعد مستقبل ٥ نا بهت را در بعد ضرب کردیم و حاصل را که هست
له ه بر کہ قسمت نمودیم خارج شد ا ه ثانیه این را از تقویم زحل نصف النهار موخر
نقصان نمودیم تقویم زحل بوقت ولادت لازم السعادت مبارک باقی ماند ا ه ٠ و

تقویم مشتری بنصف النهار مقدم ط ی ح تقویم مشتری بنصف النهار موخر ا ی ح بهت ح دقیقه
بعد مستقبل فا مضروب بهت در بعد ی فا این را بر ک قسمت کردیم خارج شد ی ثانیه این
از تقویم مشتری بنصف النهار موخر نقصان نمودیم باقی ماند تقویم مشتری بوقت ولادت لازم
السعادت ط ی ح ی ا استخراج تقویم مریخ تقویم مریخ بنصف النهار مقدم یا کا ونصف النهار
موخر یا کا بهت مریخ ه دقیقه بعد مستقبل فا بهت را در بعد مستقبل ضرب کردیم
حاصل شد فا حاصل ضرب را بر ک قسمت نمودیم خارج شد حصه حرکت مریخ از وقت ولادت
با نصف النهار موخر ثانیه این را از تقویم مریخ بنصف النهار موخر اسقاط نمودیم باقی
تقویم مریخ بوقت ولادت مبارک یا کا له استخراج تقویم زهره بوقت ولادت تقویم زهره بنصف
النهار مقدم یا ح له ونصف النهار موخر یا کا بهت زهره ا ی بعد مستقبل فا
مضروب بهت در بعد د کا له این را بر ک قسمت نمودیم خارج شد ثانیه این را
از تقویم زهره بنصف النهار موخر نقصان نمودیم باقی ماند تقویم زهره بوقت ولادت مبارک
یا کا ا لو استخراج تقویم عطارد تقویم عطارد بنصف النهار مقدم ا ک ونصف النهار موخر

د ط ی بهت عطارد نط دقیقه بعد مستقبل فا بهت را در بعد مستقبل ضرب
کردیم حاصل آمده فا حاصل ضرب را بر ک قسمت نمودیم حصه حرکت عطارد از حین ولادت
الی نصف النهار موخر خارج شد م این را از تقویم عطارد بنصف النهار موخر نقصان نمودیم
تقویم عطارد بوقت ولادت مبارک معلوم گردید ا کا ط له استخراج موضع عقدتین چون حرکت راس را
حرکت بطیه میباشد موضع راس بنصف النهار موخر که اقرب بدرجه طالع است از تقویم
بیرون آوردیم بود ط مو ومقابل آن موضع ذنب میباشد استخراج تسویة البیوت
طالع سقوط موضع نطفه ولادت که طالع سقوط نطفه میباشد د کا مطالعش ببلد ولادت
من البلد در کردیم شد مطالع طالع بعرض بلد ولادت [illegible] این را در جدول مطالع البروج
بفلک مستقیم محسوب من اول الجدی بعد از نقصان از دور معکوس کردیم بیرون آمد عاشر [illegible]
پس طالع طالع العاشر بفلک مستقیم محسوب من اول الجدی بیرون آوردیم [illegible] مطالع
مطالع بلدی طالع را از مطالع استوائی آن نقصان نمودیم باقیماند نصف قوس النهار درجه
طالع [illegible] این را بر سه قسمت نمودیم خارج شد سدس قوس النهار [illegible] سدس قوس

النهار را بر مطالع طالع افزودیم شد مطالع حادی عشر رله و بار همان سدس قوس النهار را
بر مطالع حادی عشر افزودیم شد مطالع ثانی عشر ر... ل پس شصت درجه بر مطالع ثانی عشر افزودیم
شد مطالع خانه دویم شب ... ل باز یکصد و بیست درجه بر مطالع حادی عشر افزودیم شد مطالع خانه سیم
شلب لو و پس این مطالع العاشر را در جدول مطالع البروج بالفلک المستقیم محسوب من اول الجدی معکوس
کردیم بیرون آمد مرکز حادی عشر ... مرکز ثانی عشر ... مرکز بیت ثانی ... مرکز بیت ثالث ...
و مراکز بیوت دیگر نظایر این خانها میباشد والله اعلم استخراج هیلاج و کدخدا و تعیین عطیه عمر
چون طالع مبارک نهاری و اجتماعی است نخست ملاحظه موضع شمس نمودیم چون در قرب درجه
طالع واقعست و در برج شرف و در مثلثه ولی خود صلاحیت هیلاجیت دارد خداوند خانه
که مریخست ساقط و صاحب شرف و رب مثلثه ولی خود شمس میباشد و درجات خط شمس مضاعف
و مشتری که خداوند مثلثه ثانیه و صاحب حد موضع است ناظر است ولکن چون آفتاب حظش
زیادتر و اقوی از مشتری میباشد خود هیلاج و خود کدخدا میباشد پس از ان نظر کردیم بقمر
چون در قرب وتد عاشر واقع است نیز هیلاج میباشد و کدخدا بر موضع ان از ارباب خطوط ناظره

عطارد است که صاحب مثلثه ثانیه میباشد بعد از ان نظر کردیم بجزو اجتماع مقدم چون در زایل
الوتد است شایسته هیلاجیت نمیباشد پس نظر کردیم بسهم السعادة چون در قرب مرکز وتد است در خانه
هفتم شایسته هیلاجیت نمیباشد و مستولی بر موضع آن از ارباب خطوط عطارد میباشد پس ملاحظه درجه
درجه طالع نمودیم چون شمس در انجاست و از قرار قول حکما کریم بحران است لهذا درجه طالع را صلاحیت
هیلاجیت نمیباشد پس در این طالع مبارک نیز هیلاج و کدخدا موجود است و معطی اصل عطیه
عمر آفتاب و عطایای سایر کدخدایان در ضمن عطیه شمس میباشد استخراج عطیه آفتاب
تقویم آفتاب ... در مابین وتد و زایل الوتد عطیتین و بعد مابین عطیه کبری و صغری خود مرکز وتد
... مرکز زایل الوتد ... بعد آفتاب از وتد ... عطیه کبری آفتاب ... عطیه صغری
... مابین العطیتین ... بعد آفتاب را از وتد در سنین مابین العطیتین که مروعش ... میباشد
ضرب کردیم حاصل شد ... مابین المرکزین وتد و زایل الوتد ... برج را بدرجات مجلس ساختیم
شد ... پس حاصل ضرب را بر مابین المرکزین قسمت کردیم خارج شد تعدیل ... این را
از عطیه کبری آفتاب نقصان نمودیم باقیماند عطیه معدله آفتاب قسـ و این یکصد دو ...

و دوازده سال شمسی و دوازده روز میباشد که عمر طبیعی خداوند طالع خجسته مطالع میباشد و چون
کوکب زیاد کننده موجود و نقصان کننده مفقود است لهذا از قرار قول حکمای مشهور است که
تسییر طالع یا هیلاج و کدخدا یا یکی دیگر از دلایل بقاطعی نرسد بتمام عطیه آفتاب که یکصد و
دوازده سال تمام شمسی و دوازده روز تمام بوده باشد فایض گردیده بمقدار عمر خود انجام
یافته و احتمال تسییرات و انتهاآت و مواضع قواطع و زواید و غیره انشاء الله تعالی از
من بعد علی التفصیل استخراج و استنباط خواهد شد اللهم بلغه الی مائة و عشرین
سنة فی حال الصحة و الفراغة بغیر ضعف فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین
و صورت زایچه مبارکه و مواضع کواکب سبعه سیاره و عقدتین قمر و بعضی از سهام
ضروریه و طالع سقوط نطفه مبارکه و طالع سال قران علوین مقدم نجومی است که در جداول
نگارش یافته است




طالع سقوط نطفهٔ مبارکه
طالع سال قران علویین مقدم

هو العليم الخبير لا يعلم الغيب الا هو از دلایل طالع فرخنده طالع ولادت لازم السعادت مبارک
و مواضع کواکب سیاره و ثابته و مواقع سهام مستعمله و مطارح اشعه و انوار و نظرات و حالات
کواکب در بیوت چنین مفهوم و مستفاد میگردد والعلم عند الله تعالی که چون طالع فرخنده مطالع
برج حمل و خانه مریخ و بیت الشرف آفتاب و حد زهره و صورت مریخ ارباب مثلثه شمس و مشتری
و زحل است و بر درجه طالع شمس بشرکت مشتری دلالت کند بر آنکه نواب مستطاب اعلی در حسن
خلقت و صورت باعلا درجه کمال بوده تمام هیکل و خوش منظر و خوب صورت و نیکو سیرت و متناسب
الاعضا و سلیم الحواس و معتدل المزاج و ابیض اللون و حسن الشعر باشد و حرارت و رطوبت در مزاج
شریف غالب باشد چنانچه بطلمیوس حکیم فرموده و اذا کان المشتری هو المستولی بر مواضع التی
قدمنا ذکرها کان المولود ما حلقته حسن الشعر ابیض اللون متوسط العینین حسن القامه و المقدار و اتاه و
یکون الغالب علیه الحرارة و الرطوبة و چون بتر صورت طالع فرخنده طالع آن دو دلیل آفتاب است
و آفتاب در درجه طالع در برج شرف در نهایت قوت و سعادت میباشد دلالت کند بر کمال
نور و صفا و بهای وجه مبارک و استوای خلقت و اعتدال قامت و صحت و سلامت تمام اعضا

و جوارح چنانکه بطلمیوس حکیم آورده و اما الشمس بانها تعین على الهيئة و كمال البدن و ایضا
بودن شمس در درجه طالع مبارک دلالت کند بر کمال جلال و شکوه و عظمت و رفعت و ارتقا با
مدارج جاه و شرف نفس و بزرگی و علو همت و سمو قدر و منزلت و سخاوت طبع و تقویت ضعفا و
کوشیار حکیم در مجمل الاصول آورده است که احوال النفس ينقسم الى العقلي والخلقي واما العقلي
فمنسوب الى عطارد واما الخلقي فمنسوب الى القمر فبحسب قوة هذين الكوكبين يكون الحال في هذين الامرين
بناء على هذا در این طالع مبارک نظر کردیم عطارد در برج حمل در خانه مریخ در بیت طالع در مطرح شعاع
تثلیث مشتری و نحوس ساقط و مشتری مستولی بر موضع عطارد و دلالت کند بر کمال عقل و کیاست و فهم
و فراست و اصابت رای و حسن تدبیر و حدس صائب و رای ثاقب و فکرهای دقیق و اندیشه های عمیق
و زیرکی و بردباری و فطانت و درایت و میل خاطر مبارک بعلم و حساب و هندسه و علو طبع و همت و
سخاوت و عطا و عفت و عدالت و رحم بر مجرمین و مقصرین چنانکه کوشیار حکیم در کتاب
مجمل الاصول آورده است المشتري اذا كان مستوليا على موضع القمر و عطارد و هو على الحال
المحمود صير المولود كبير النفس سخيا ذا وقار محبا للناس جميل الاخبار عند الخاص متوكلا

وچون زهره ناظر بمشتری و مشتری شاکل زهره پیدا شد دلالت کند برآنکه نواب مستطاب اشرف
والا را دامن بزرگی از لوث جمیع معاصی پاک و منزه بوده متقی و لطیف طبع و صاحب نعمت و دولت
باشند و گاه گاه بطرب و لهو مایل و راغب گردند و سلیم القلب و رحیم دل و خوش اخلاق
و دوست دارنده آثار ارباب متقدمین و خواندن و شنیدن تواریخ و سیر بوده باشند اما
صفات خلقی چون قمر در برج میزان درجه ششم در خانه زهره در صورت خویشتن مقارن
سهم السعاده در مقابله آفتاب ممتلی و زاید النور و مستولی بر موضع آن عطارد است
دلالت کند بر اخلاق حمیده و صفات پسندیده و متحلی بودن بفضایل نفسانی و خصایل
انسانی و مراتب و دوست داشتن اهل و اقارب و بذل عنایت و مرحمت نسبت بخویشان
و زیردستان و قبیله و عشیره و همچنین دلالت کند بر عفت و عدالت و تشرع و دیانت
و حسن نیت و سیرت و تقویت نمودن مذهب و دین و محترم داشتن علما و پیشوایان دین
مبین و اعانت بر حفظ سنن و شرایع سید المرسلین علیه صلوات الله الحق المبین بطلموس حکیم

آورده است

آورده است که قوی ترین دلیلی در دلایل فلکی در طالع موالید آن است که کوکبی از کواکب
ثابته سعد قدر اول و دویم در درجه طالع یا عاشر یا مقارن صاحب طالع یا هیلاج یا کدخدا یا سهم
السعاده واقع شود مولود را از صدر مراتب اهل دنیا و ابناء جنس بگذراند و عطایای بزرگ اعطا کند
و سعادات عظیمه بدهد و این معنی در دو کلمه از کتاب ثمره الفلک بیان فرموده یکی در کلمه سی و یکم
که فرموده الکواکب الثابته یعطی عطایا الخارجه عن النسبه و در کلمه چهل و هشتم آورده است که اعظم السعادات
لمن ولد فی مواضع الکواکب الثابته بناء علیه در این طالع مبارک نظر کردیم درجه نسر واقع که از اسعد ثوابت
و از کواکب نایده قدر اول میباشد در قرب مرکز عاشر واقع شده دلیلی واضح و برهانی
لایح است بر حصول اعظم سعادات و اکمل مقامات و مؤید بودن بتاییدات ربانی و زود مستعد
گردیدن بسعادات آسمانی و سعی فرمودن در تدبیر امور ملک و ملت و تعدیل مصالح دین و
دولت و روی نمودن سعادات عظیمه و درجات عالیه و چون آفتاب و ماه و سهم السعاده
در این طالع مبارک هیلاج و آفتاب و مشتری و عطارد کدخدا و آفتاب خود هم هیلاج است

وهم که خداوند طالع عطیه عمر است دلالت کند بر طول عمر و صحت مزاج و قلت ناخوشی و سلامت
حواس و اعضا و نیکوئی معاش و زندگانی و عیش و عشرت و کامرانی و نعمت و سعادت و سلامت
و شادمانی در تمامت عمر و مقدار عطیه آفتاب از قرار تخریج سابق که شرح داده شده
یکصد و دوازده سال و دوازده روز است والله اعلم **البیت الثانی بیت المال و المعاش و الاعوان و الانصار**
مرکز بیت دویم برج ثور ۲۷ خانه زهره شرف قمر حد عطارد وجه عطارد ارباب مثلثات
زهره و قمر و مریخ مستولی بر مرکز دویم زهره و زهره در برج شرف مقارن مریخ و در
شعاع مشتری و سهم السعاده در برج میزان مستولی بر موضع آن عطارد دلالت کند بر حصول
مال و منال بسیار و منافع و فواید بیشمار و سهولت در حصول و وصول و چون زحل در
خانه دویم میباشد دلالت کند بر آنکه در مخارج خود داری و مال نگاهدار مال باشند و لیکن
چون مریخ مقارن خداوند دویم میباشد پیوسته امور چند اتفاق افتد که خرج بی اختیار
روی دهد و مال مجمع بمخارج لازمه صرف شود و معاش و زندگانی در کمال خوشی

بگذرد و پیوسته بعیش و عشرت و شادمانی و کامرانی و وسعت و نعمت زندگانی فرمایند
و اعوان و انصار و خدمتکاران و دولتخواهان بسیار داشته باشند از انواع مهمات
و طوایف مردم و خدمات شایسته از ایشان بظهور رسد و خدمات ایشان موجب مزید دولت
و سعادت و باعث خذلان دولت دشمنان گردد ان شاء الله تعالی **البیت الثالث بیت الاخوة و الاخوات**
و الاسفار القریبه مرکز بیت سیم جوزا ۱۷ خانه عطارد شرف راس حد مشتری وجه مشتری ارباب مثلثات
زحل و عطارد و مشتری مستولی بر مرکز خانه سیم عطارد و مشتری و عطارد و مشتری در نظر تثلیث و عطارد
در خانه طالع و راس حال بیت سیم دلالت کند بر تعدد برادران نامدار کامکار و کمال توافق و اطاعت
و انقیاد ایشان نسبت بخداوند طالع خجسته طالع و چون عطارد که خداوند و مستولی خانه سیم میباشد در
طالع واقع است دلالت دارد بر اینکه نوبت انتساب اشرف امجد والا بمشیه بر جمیع برادران مسلط و مستولی
بوده باشند بنحویکه از ایشان ابدا امری که منافی رای عالی والا باشد بظهور نرسد و خداوند طالع فرخنده
مطالع را نیز نسبت با ایشان پیوسته کمال شفقت و مرحمت و عطوفت و مهربانی بظهور رسد و عنایات و تفقدات

شکره درباره ایشان بتبدل افتد و بسبب آن از ایشان خلاف و نفاق بظهور رسد و نواب مالک رقاب

والا بصید و سواری و شکار بسیار مایل و راغب باشند و دایما مایل بتفرج و سیر بوده و در شکار و سیر و

در شکارگاه با بر سر کار کردن مدار و الا در کمال خوشی و عیش و سرور کذرد و ابدا اسبابی خواطر خواه

والا امری ظاهر نکردد و جمیع اهل و طایفه و قوم و قبیله و اعمام و اخوان همه که در مقام خدمت

کذاری و جان نثاری بر اطاعت و انقیاد باشند **الرابع بیت الاملاک و الضیاع و العقار و**

الاباء و المعاقبه خانه چهارم برج سرطان در خانه قمر شرف مشتری حد مریخ و حد زهره ارباب مثلثات

زهره و مریخ و قمر است و ابرج بیت الاباء قمر شرکت مریخ و زهره و قمر در وتد نهم مقارن سهم

السعاده میباشد دلیل است بر تملک املاک و اجزای نهار و قنوات که منفعت آن عام و عاید

جمیع خاص و عام کردد و نام نیک بآن جهه در عالم منتشر و مشهور کردد و عمارت و دولت سرای

عالی مرتفع بنیان نهند و با تمام رسانند و از جانب سعادت جوانب شاهنشاه عالمیان پناه روحنا

فداه بموفور مرحمت و اشفاق و عنایات و الطاف بیدریغ نسبت بنواب مستطاب والا بظهور رسد

ومنظور

ومنظور نظر آفتاب اثر اعلیحضرت شهریاری بوده و کام روا و دولتیار باشند اما مقدار که قبله

عالم و عالمیان روحنا فداه نسبت بنواب مستطاب والا عنایت و مرحمت و التفات سرکار والا را

انقدر با خلوص و عبودیت و انقیاد و اطاعت و تسلیم و تسلم و رضا و استرضا منظور و مرعی داشته و عاقبت

امر سر کار کردون مدار اشرف امجد والا بخیر و سعادت و خرمی و فیروزی باشد و خاتمه امر حسن الدنیا

و الاخره نیکو باشد **الخامس بیت الاولاد و الافراح و الهدایا و المعشوق** مرکز بیت پنجم در برج

اسد ه خانه افتاب حد مشتری و حد زحل ارباب مثلثات شمس و مشتری و زحل مستولی بر مرکز پنجم

شمس بشرکت مشتری و میان شمس و مشتری مناظره و اتصال تمام دوستی دلالت کند بر کثرت اولاد امجاد

فرخنده نهاد و تعدد ایشان و زیادت اولاد ذکور و قلت بلکه عدم اولاد اناث و کمال اطاعت و

انقیاد و فرمانبرداری ایشان نسبت بوالد ماجد بزرکوار و بیشتر نهایت مرحمت و عنایت

و التفات از والد ماجد بزرکوار نسبت باولاد امجاد و محبت و سرور و خرمی و خوشی و قتی و رضا

و استرضای قلبی از طرفین و دلالت کند بر انکه نواب اشرف امجد ارفع والا از تحف و هدایا بهره وافی

داشته باشند و پیش کشهای نفیسه و امتعه بدیعه و جواهرات و مرصع آلات قیمتی برسم پیشکش
و هدیه بخاک آستان والا برسد و پیوسته در عیش و سرور و نعمت و دولت و شادمانی و کامرانی
زندگانی فرمایند و بدولات و منسوبات زهره و دار با بسط و طرب میل و رغبت وافر داشته باشند
و پیوسته از تعیش و تعلق خاطر خالی نباشند و پیوسته اخبار خوب که موجب مسرت و بهجت باشد
بسمع شریف برسد **السادس بیت العلل والامراض والمواشی** مرکز بیت ششم در برج سنبله
که خانه و شرف و حد عطارد و حد آفتاب و ارباب مثلثات زهره و قمر و مریخ مستولی بر مرکز ششم
زهره و زهره در برج و در شرف مقارن مریخ دلالت کند بر آنکه وجود مسعود و مزاج مقدس از جمیع
آلام و امراض و اسقام محفوظ و سالم بوده باشد و تغیر و انحراف مزاج بندرت اتفاق افتد و اگر احیاناً
خدا نخواسته عارضه روی نماید از ماده حرارت و رطوبت باشد و بزودی دفع گردیده عاقبت بخیر و
عافیت باشد و دلالت کند بر بسیاری خدم و عبید و جواری و غلامان و خدمتگذاران
متقبل و ولتیار و گاهگاه ظهور خیانت از آنها و بدست آمدن اسبها و مواشی خوب و خوب

مطلوع

مطلوع **السابع بیت الازواج والاضداد والاعداء** مرکز بیت هفتم در برج میزان که
خانه زهره شرف زحل حد عطارد و حد قمر ارباب مثلثات زحل و عطارد و مشتری مستولی بر خانه
هفتم عطارد و سهم السعادة و سهم الغیب در خانه هفتم و قمر نیز در خانه هفتم مشتری ناظر و نحوس ساقط
دلالت کند بر آنکه نواب مستطاب اشرف امجد ارفع والا بر ترویج و نکاح بسیار مایل و راغب
باشند و زوجات متعدده بعقد نکاح در آورند و نهایت میل و محبت نسبت بآنها داشته
باشند چنانچه بطلمیوس حکیم فرموده است **ینظر اهل القمر فی برج کثیر الصور کان متصلاً بالکثیر من واحد کثیر التزویج** و چون مستولی بر خانه هفتم در طالع واقع است دلالت کند بر تعشق و تعلق
زوجات مطهرات بخداوند طالع و کمال میل و محبت فیمابین و همین دلیل ظاهر است بر تسلط و استیلای
خداوند طالع فرخنده مطالع بر اعدا و دشمنان و غلبه بر ایشان و چون سهم السعادة و سهم الغیب در
قرب مرکز سابع واقع میباشد دلالت کند بر نهایت سعادت و خوشی ارباب متعلقات بیت هفتم
و مخذولی مقهور بودن دشمنان و ذلت و خفت اعدا و مخالفان و گرفتاری ایشان **الثامن**

بیت المخاوف والمخاطر والمواریث والکنوز مرکز خانه هشتم در برج عقرب ط خانه مریخ
حد زهره و حد مریخ ارباب مثلثات زهره و مریخ و قمر مستولی بر خانه هشتم مریخ و مریخ در مطرح شعاع
مشتری و مقارن با زهره در کمال خوشحالی و قوت دلالت کند بر سلامت و ایمنی از مخاوف و مخاطرات
و عدم حدوث عوارض و سوانح و محظوظ و بهره‌مند گردیدن از اموال مواریث و کنوز و حصول اموال
و منافع از جاهایی که بهیچ وجه من الوجوه گمان حصول آن نبوده باشد چنانچه حکما گفته‌اند سافر من
الثامن من النادر حین یبید المنفعة من المواریث ما ابرها التاسع بیت العلم والدین الی السفر
مرکز خانه نهم در برج قوس در خانه مشتری و حد مشتری و حد عطارد ارباب مثلثات شمس و مشتری و
زحل مستولی بر خانه نهم مشتری و مشتری حال در خانه نهم در بیت و مثلثه مستقیم السیر در مطرح شعاع زهره
در کمال قوت و سعادت دلالت کند بر آنکه نواب مستطاب بالکرة باب امجد ارفع والا بتحصیل انواع
علوم مایل و راغب باشند و از هر علمی بهره بردارند و در حل مشکلات و ادراک معانی و مسائل غامضه
علمیه مهارت وافی داشته باشند و بمقتضای ذهن سلیم و سلیقه مستقیم بحقایق و دقایق بعضی از علوم

عارف و مطلع و باید که توجهی بمسائل مشکل را درک فرمایند و بجهت صحبت علما و فضلا و ارباب
علم و معرفت مایل و راغب بوده صاحبان فضل و کمال را معزز و محترم دارند و بدانستن احوال سلاطین
پیشینه و آثار و اخبار ایشان و استماع تواریخ میل کلی داشته باشند و در امور دین و دنیا بدرایت
و تفکرات و قیاس فرموده صاحب حدس صایب باشند و خوابهای خوب بینند و تعبیرات آنها زود
ظاهر گردد و در اسفار بعید بر نواب مستطاب ارفع امجد والا در کمال سعادت و خوبی گذرد و اسفار
بعید موجب مزید دولت و شوکت و جلالت و اقتدار گردد العاشر بیت الرفعة والسلطنة والعمل
مرکز خانه دهم برج جدی دل خانه زحل شرف مریخ حد عطارد و حد قمر ارباب مثلثات زهره
و قمر و مریخ مستولی بر خانه عاشر زحل بشرکت مریخ و زهره و شمس ناظر بمرکز وتد عاشر دلالت کند
بر جاه و شرف و عزت و جلالت و شوکت و سلطنت و رجوع جمیع طوایف مردم بدربار گیتی مدار
شاهزاده اعظم اکرم افخم و چون آفتاب و ماه در برج مذکر و درجه مرکز و مرکز کره و تد دهم در برج
مذکر و جمیع کواکب ناظر بوتد عاشر میباشد دلالت میکند بر دولت و برکت و سعادت و ریاست
و ایالت عظیم چنانکه بطلمیوس حکیم فرموده است النیرین اذا کانا جمیعا فی بروج مذکره و کانا جمیعا

جمیعا علی الاقوام وکان المولود ملکا عظیما الحادی عشر بیت الرجا والاصدقاء مرکز بیت یازدهم برج دلو است

خانه زحل حد عطارد وجه زهره ارباب مثلثات زحل وعطارد ومشتری مستولی بر خانه یازدهم

زحل وعطارد و زحل با مریخ که خداوند طالع است نظر دوستی میباشد دلیل است بر آنکه بندگان

اقدس ارفع امجد والا راین کان جان نثار و غلامان خلوصیت شعار و دولتخواهان اعلی حضرت و مخلصان

وجان فشانان رفیع منزلت بسیار بوده باشند و پیوسته طریقه بندگی و دولتخواهی را مسلوک داشته

از صمیم قلب و خلوص نیت و عقیدت بلوازم جان نثاری و خدمتگذاری مشغول باشند چنانچه کوشیار

حکیم آورده که ان صاحب الطالع صاحب الحادی عشر بیدل اصدقاء علی خلاف الثانی عشر بیت الاعداء والدواب

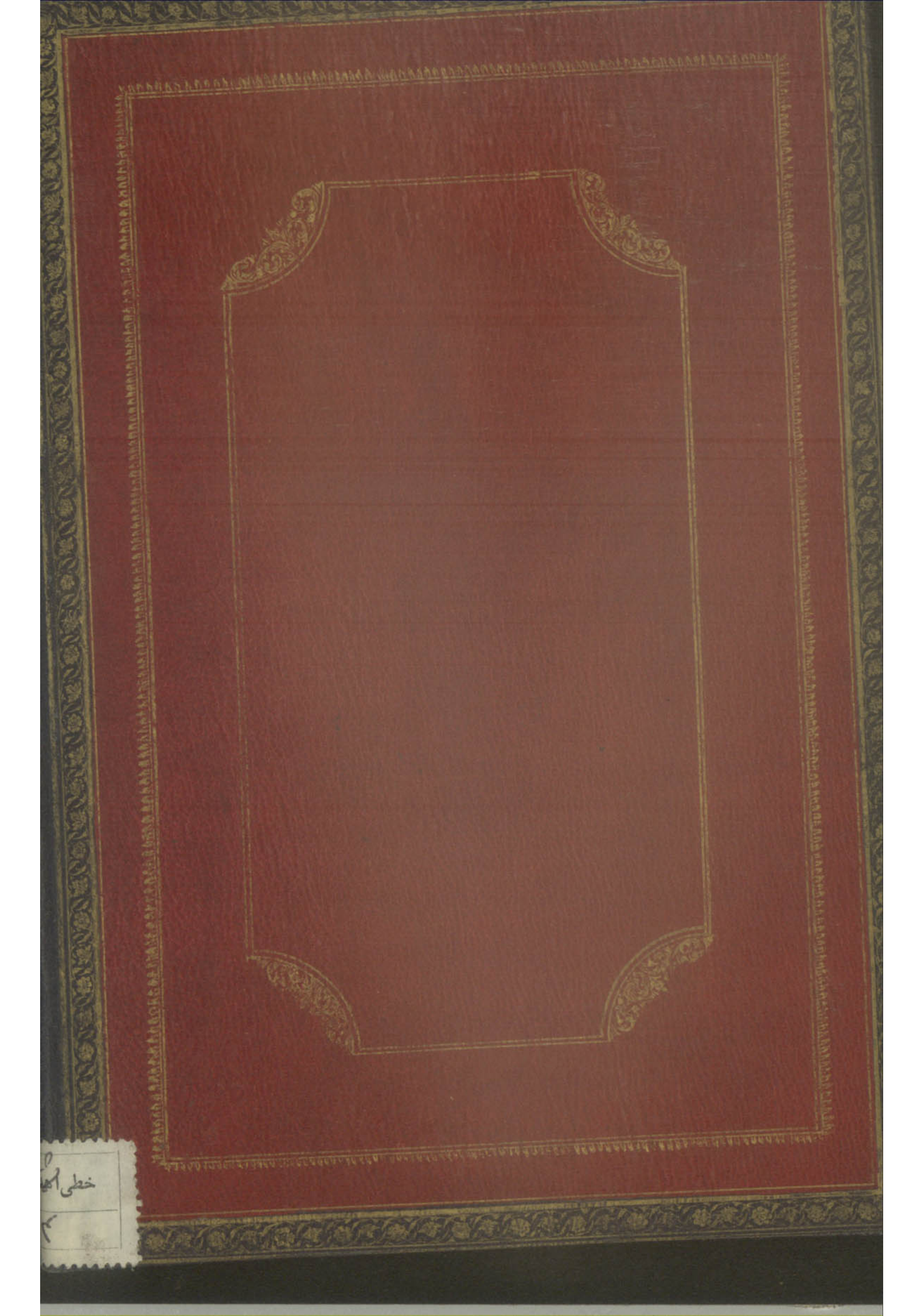
مرکز بیت دوازدهم برج حوت است وخانه مشتری و حد زهره وحد زحل ارباب

مثلثات زهره و مریخ و قمر مستولی بر خانه دوازدهم زهره و مشتری و مریخ و زهره در این بیت

دلالت کند برامنیت و رفاه از جانب دشمنان و بداندیشان و بدست آمدن حیوانات و مواشی

واسب واستر ودواب لا تعد ولا تحصی والله عالم بحقایق الامور




خطی